



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۰۵

دكتور فاروق اعظم

مسئله آب و روابط افغانستان و ایران

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، به شبکه ۳ تلویزیون دولتی ایران (حالا خورشید) روز یکشنبه ۲۶ اگست ۲۰۱۸م گفت: "کشورش از اهرم‌های مختلف برای حل اختلافات بر سر حقایق دریای خلیج فارس با افغانستان استفاده خواهد کرد. شاید هفته‌ای نباشد که در مورد مسأله آب هیرمند صحبت نکنیم. ولی برای رسیدن به توافق جامع به وقت بیشتر نیاز است." وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به این سؤال رضا رشیدپور، مجری تلویزیون که پرسید آیا "ما در قضیه آب هیرمند از پس افغانستان بر نمی‌آئیم؟" گفت: "چرا، برمی‌آئیم. ما می‌توانیم از اهرم‌های مرادوات مرزی، مهاجران افغان، موضوع مواد مخدر و تجارت در مورد افغانستان استفاده کنیم." آقای ظریف گفت که ایران و افغانستان دو سال پیش در پنج حوزه آموزش، سرحد، امنیت، اقتصاد و آب کمیته‌های مشترک ایجاد کردند و این کمیته‌ها چند بار نشست برگزار کردند و او امیدوار است که از مجموعه این نشست‌ها قرارداد جامعی بین دو کشور بدست بیاید که موضوع آب هیرمند، آب هامون و آب هریدریا براساس آن قابل پی‌گیری است. جواد ظریف همچنین افزود که با وجود یک‌هفته در مورد حقایق ایران از دریای خلیج فارس در سال ۱۹۷۳م معاهده‌ای میان دو کشور امضا شد اما جریان آب این دریای خلیج فارس به ایران به صورت منظم صورت نمی‌گیرد و خواهان عملی شدن این معاهده ایم. او گفت: در مورد هریدریا چنین توافقی نداریم، دنبال این هستیم که ما و ترکمنستان با افغانستان به توافق برسیم، پی‌گیری مرتب هم کردیم. اما همانطوری که عرض کردم در روابط بین‌الملل بحث فراهم کردن امکانات، فراهم کردن اهرم‌ها برای رسیدن به توافق است.

در عکس العمل به سخنان آقای جواد ظریف، محمد نصیر اندیشه معاون وزارت امور خارجه افغانستان در کابل گفت: دولت‌های افغانستان و ایران درباره آب دریای هیرمند توافقنامه‌ای را در سال ۱۳۵۱ هـ ش امضا کرده اند که در آن حقوق هر دو کشور واضح و طرز العمل‌های حل اختلاف نیز برای گذر از چلنج‌ها روشن است. وی در یک میزگرد تلویزیونی افزود: برای حل چلنج‌های بین دو کشور در رابطه با آب هیرمند در سال‌های پر آب، متوسط و خشکسالی‌های حالاتی وجود دارد که براساس آن می‌توان موضوع را حل کرد و لازم به هیچ انتخاب دیگری نیست و ما در این زمینه مشکل یا اختلافی با دولت ایران نداریم. همچنان، گل محمد خلمی وزیر «انرژی و آب» افغانستان نیز در عکس العمل به این اظهارات جواد ظریف اعلام کرد که تقسیم آب دریای هیرمند بین ایران و افغانستان موضوع حل شده است. البته وی مدعی شد که ایران از حقی که برای آن کشور تعیین شده نه تنها کمتر بلکه بیشتر نیز گرفته است. وی ادعا کرد که براساس این توافقنامه، ایران حق دارد در سال ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب از دریای هیرمند بدست آورد. اما بر اساس مدارک و شواهد دولت افغانستان، ایران در سال یک هزار و ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب از دریای هیرمند دریافت کرده است. آقای خلمی تصریح کرد: در ضمن بین جمهوری اسلامی ایران و افغانستان کمیته مشترکی در این باره فعالیت می‌کند و کار آن بدون مشکل ادامه دارد و هیچ تنش‌هایی در این بین وجود ندارد. قبل از این نیز مقامات بلند پایه ایرانی حرف‌های تند و تهدیدآمیز به افغانستان راجع به آب هیرمند نثار فرموده بودند که اکثر شان ناشی از عدم معلومات کافی در زمینه و یا اغفال ذهنیت عامه در ایران بود. رئیس جمهوری ایران حسن روحانی در کنفرانس بین‌المللی مقابله با باد گرد و غبار که روز دوشنبه ۳ جولای ۲۰۱۷م در تهران برگزار شده بود، گفت: هشتاد درصد منشاء گردوغبار در این کشور منشاء خارجی دارد و از جمله به تلاش‌های سدسازی در افغانستان و ترکیه اشاره کرد. او گفت: "نمی‌توانیم در برابر آنچه محیط زیست ما را تخریب می‌کند، بی‌تفاوت باشیم، احداث سد‌های متعدد در افغانستان و بندها از کجکی، کمال خان، سلما و دیگر سد‌ها و بندها در شمال و جنوب افغانستان در استان خراسان ما و سیستان و بلوچستان ما تأثیرگذار است."

سرلشکر یحیی صفوی، مشاور نظامی رهبر جمهوری اسلامی ایران (فرمانده سابق سپاه پاسداران) روز سه شنبه (۲۷ فبروری ۲۰۱۸م) در کنفرانس "دیپلماسی آب و فرصت‌های هیدروپولیتیک غرب آسیا" که در تهران برگزار شده بود، گفت: افغانستان در آینده شاید "سرمنشاء مناقشات آبی" با ایران باشد.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

ایت الله خامنه ای رهبر ایران در می ۲۰۱۶ در ملاقات به اشرف غنی در تهران نیز تلویحا تهدید آمیز گفته بود که مسائل آب بین افغانستان باید به گفتگو حل شود و باعث تشنج روابط نه گردد.

این درحالیست که دولت افغانستان و ایران تاکید دارند که متعهد به اجرای مفاد "معاهده ۱۳۵۱ هـ هیلمند" استند. مقامات دولت افغانستان همواره اعلام کرده است که بر اساس توافقنامه بین دو طرف کدام اختلافی با ایران در این زمینه ندارد و ایران نیز خواهان تطبیق این معاهده است.

صرفنظر از اینکه ایران تکلیف عدم مدیریت آبی خود را بر دوش افغانستان میگذارد و یا برای اغفال و استغلال اذهان عامه ایران ضرورت به چنین اظهارات بیمورد دارند، حقیقت امر اینست که خشکسالی در بیست سال گذشته و خصوصاً در سالهای اخیر همه منطقه مارا فرا گرفته و همه مارا متضرر ساخته است. بارش در ایران در بیست سال اخیر تقریباً ۱۹ فیصد کاهش پیدا کرده است. مشکل خشکسالی و کم آبی محدود به ایران نیست؛ بلکه افغانستان نیز درین اواخر با خشکسالی شدید مواجه بوده که حتی سازمان ملل متحد از خطرات سنگین احتمالی برای مردم هشدار داد و برای پیشگیری از مشکلات فاجعه بار ناشی از آن خواستار کمک های بیشتر جهانی بافغانستان شد. تولی لینز نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان در ۲۸ می امسال (۲۰۱۸) هشدار داد که اگر کمک های به موقع در این کشور صورت نگیرد، وقوع فاجعه انسانی رخ خواهد داد. مواشی اکثر کوچیهای افغانستان از درک بی آبی تلف شد و شکایات مکرر شان به مقامات بلندپایه دولتی افغان ثبت است. نویسنده این مقال زمین زراعتی در ولسوالی ارغنداب قندهار دارد. با وصف اینکه زمین ما سرکیله و نزدیک به بند ارغنداب است، ولی به اثر خشکسالی که آب در دریای ارغنداب نبود، ما سال گذشته زمین خود را کشت نکردیم و تاکنون زمین زراعتی ما بدون کشت و بهره برداری مانده است. برای زنده نگهداری اشجار و باغها مجبور به حفر چاهها در پهلوی دریا شدیم. ببینیم که وضعیت اقلیم برای سال آینده چطور خواهد بود. ما که در سربالای دریا واقع هستیم، حال ما زاراست، چه رسد به حال آنانیکه در پائین مسیر دریا موقعیت دارند.

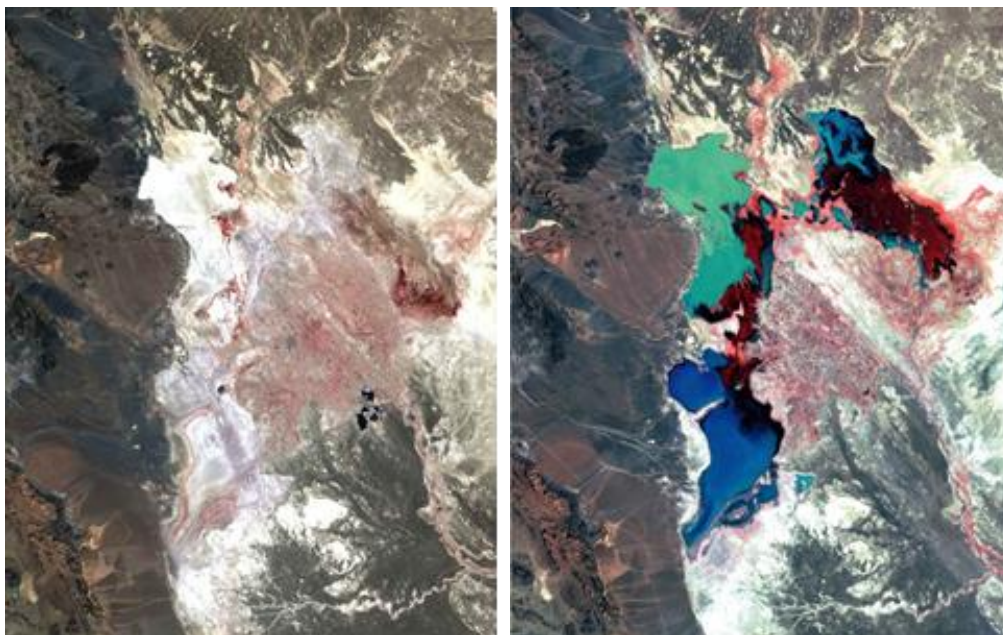
ایران، متأسفانه نه تنها دچار چلنجهای جدی مدیریتی در سکتور آب بوده، بلکه روحیه دیپلماسی اش با همسایگان نیز ضعیف و در سطح باید نیست. چیزیکه به خود روا میدارد به دیگران انکار میکند. ایران با سدسازی روی دریا زاب، بخشی از منابع آب کردستان عراق را قطع می کند. زاب یکی از پرآب ترین دریاخانه های ایران است که از کوه های زاگرس سرچشمه می گیرد، از کردستان عراق عبور می کند و به دجله می ریزد. دولت ایران برای احیای جهیل اورمیه که خود شکار مدیریت ناقص آب ایران است، اکنون مشغول ساختن سدی بر سر دریا زاب و انحراف آب آن به سمت این جهیل است. دولت خودمختار اقلیم کردستان عراق به شدت به این موضوع اعتراض کرده است. در جواب ایران میگوید که چون سرچشمه دریا زاب در داخل ایران است پس این کشور حق دارد طوریکه لازم میبندد آب آن دریا را مدیریت کند. ولی چنین حقی به همسایگان دیگر خود قایل نیست.



نمای پر آب جهیل اورمیه در شمال غرب ایران در سال ۲۰۰۰م و نمای خشکش در ۲۰۱۴م

کاهش آب اروند دریا، خشک شدن جهیلهای اورمیه و هامون هیلمند و تاحدی هم تالاب هورالعظیم، مشکلاتی اند که ریشه های شان در مدیریت ضعیف آب ایران نهفته است. ایران (بدون مشوره با افغانستان که در قرارداد ۱۳۵۱ هـ متعهد است) با تغییر دادن مسیر طبیعی آب دریای هیلمند از هامون به تالاب های مصنوعی بنام چاه نیمه آب و بردن

این آب زراعتی بمنظور شرب به شهر زاهدان، این جهیل طبیعی (هامون) را خشک نموده است که اثرات منفی خیلی بد محیط زیست را برای ساکنان هردو کشور آورده و سبب مهاجرت هزاران فامیل قشر زراعتی آن منطقه شده است. ولی برای پوشانیدن ضعف های خود و اغفال اذهان عامه، ایران انگشت انتقاد را به طرف افغانستان نشانه میگیرد.



نمای پر آب هامون هیلمند در ۱۹۹۵ م نمای خشک هامون هیلمند در ۲۰۱۵ م

دولت ایران در حالی به افغانستان مبنی بر چگونگی بهره برداری از منابع آبی اش خرده میگیرد که مکرراً تاکید میکند که ایران باید به فرصتهای هیدروپلیتیک خود در سرحدات غربی کشور اندیشیده و به دنبال بسط هژمونیک آبی باشد. سردار رحیم صفوی مشاور نظامی رهبر ایران با اشاره به موقعیت بالادست دریا های غرب ایران میگوید: «سالانه ۱۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب از کشور خارج می شود که ۷ میلیارد آن وارد عراق می شود، براین اساس باید با استفاده از این مزیت و با کمک آب نفوذ منطقه ای داشته باشیم.» او میگوید: افغانستان در آینده شاید "سرمنشاء مناقشات آبی" با ایران باشد. اگر یک مشاور عالی رتبه نظامی ایران چنین یک طرز دید نظامی و فکر بالادستی در سیاستهای آبی کشور داشته باشد، درین صورت ایران چه توقع همکاری از همسایگان دارد؟ اینکه ایران به عنوان کشور هژمون منطقه، سایر بازیگران را تهدید میکند و می خواهد منافع ملی خود را به گونه ای حداکثر و حتی انحصاری تامین نماید و بر نفوذ استراتژیک خود با استفاده از ابزار منبع آب مشترک بیافزاید؛ در چنین رویکردی چگونه میتوان از همسایگان خود انتظار داشت به شرایط استفاده عادلانه و منصفانه پابند بمانند و نیاز های آبی کشور پائین دست و محتاج (ایران) را فراهم کنند؟

دریا های سرحدی مشترک و چگونگی بهره برداری از منابع آبی آن، میتوانند منشأ نزاع و کشمکش میان دولتها بر سر تضمین منافع انحصاری کشور هایشان باشد و هم میتوانند موضوع همکاری مشترک به منظور توسعه پایدار منطقه و مقابله با تهدیدات مشترک محیط زیستی باشد. نویسنده این مقال در افتتاحیه کتابی بنام (آب در مقابل تیل و بندر بحری: مناسبات افغانستان و ایران بر سر آب دریای هیلمند) تحسین به آن سیاستمداران افغان و ایران تقدیم نموده است که با حوصله مندی، درایت سیاسی و دیپلماسی واقعبینانه مشکل آب دریا هیلمند را در سال ۱۳۵۱ هـ ش بنفع مردم هردو کشور حل نمودند. نویسنده امیدوار است حاکمان امروزی افغانستان، ترکمنستان و ایران موضوع آب هری رود را به منوال آب دریای هیلمند با درایت، حوصله مندی و رواداری حل و فصل نمایند.

دریا هیلمند از دریا های پرآب افغانستان و آسیا به شمار میرود دریای که سالانه میلیاردها متر مکعب آب در آن جریان میابد. این دریا از بلندی های کوه های بابا در ۴۰ کیلومتری غرب کابل از رشته کوه هندوکش در افغانستان سرچشمه میگیرد و پس از مسافت ۱۱۵۰ کیلومتر در داخل افغانستان به جهیل هامون که دریای مشترک بین افغانستان و ایران است میریزد. پس از شکست مذاکرات متعدد در سال های ۱۹۰۵ م و ۱۹۳۹ م میان سران حکومتی افغانستان و ایران، بالأخره قراردادی در سال ۱۹۷۳ م (۱۳۵۱ هـ ش) میان موسی شفیق، صدراعظم وقت افغانستان و امیرعباس هویدا، نخست وزیر وقت ایران در کابل به امضا رسید و مقرر شد که در هر ثانیه ۲۲ متر مکعب آب سهم زار عین ایران باشد. شاه افغانستان بر سبیل حسن همجاری ۴ متر مکعب آب بر آن افزود که مجموعاً ۲۶ متر مکعب شد. در مقابل، ایران تعهد سپرد که به افغانستان حق استفاده رایگان از بندر بحری خود (چابهار) میدهد و از بندر تا

دلارام و لشکرگاه سرک و خط آهن به پول ایران اعمار مینماید. همچنان وعده سپرد که پول اعمار سه بند (سد) بر دریا هیلمند بشمول بند کمال خان تادیه نموده و آب اضافی را میخرد. در راستای تطبیق این قرارداد، شاه ایران به افغانستان در وقت داود خان مبلغ ۲ میلیارد دالر تعهد بلاعوض نمود. ولی دیری از عقد قرارداد متذکره نگذشته بود که افغانستان دچار مشکلات سیاسی و امنیتی شد. انکشاف منابع آب در افغانستان متوقف شد، مردم مجبور به مهاجرت شدند و زمینهای اطراف دریا هیلمند بدون کشت ماند. بدین ترتیب، آب هیلمند در ۴۰ سال گذشته بدون استفاده مروج در داخل افغانستان عمدتاً بطرف ایران مجانی رفت. افغانستان در چهل سال گذشته اصلاً توان و حتی فرصت کنترل آبهای خود را نداشت چه رسد به اینکه حقایق ایران را منع و تصاحب نماید. ایران در چهل سال گذشته نه تنها آب هیلمند را اضافه از حق شان برده اند، بلکه با سوءاستفاده ازین حالت افغانستان، مسیر دریای هیلمند را تغییر داده، هامونهارا خشک نموده و محیط زیست را برای همه زارعین و ساکنان هر دو طرف سرحد مشترک ناسازگار ساخته است. استعمال و اترپیمپهای بزرگ، انتقال آب دریا هیلمند از طرف ایران برای استفاده شرب در شهر زاهدان به وسیله خط لوله و انتقال و ذخیره حجم عظیمی از آب دریا هیلمند در چاه های زایل بنام نیمه چاه آب از عوامل اصلی خشکی هامون است. حقایق ایران در دریا هیلمند برای کشاورزی و امرار حیات شرافتمند کشاورزان ایرانی تعیین شده بود، نه برای شرب مردم شهرنشین زاهدان و یا دیگر شهرهای ایران. اگر قرار باشد که آب اشامیدنی شهرهای ایران از دریا هیلمند تهیه شود، درین صورت بیست دریا هیلمند تکافو خواهد کرد. این مداخلات بیجا، غیر فنی و خلاف تعهدات دوجانبه، محیط زیست را برای همگان نامساعد ساخته است. بلندترین درجه حرارت در سیستان (قریب دشت لوط) در طول قرنهای گذشته ۵۲ درجه سانتیگراد درج شده، ولی با خشک شدن هامون هیلمند، درجه حرارت درین اواخر به ۵، ۷۰ درجه سانتیگراد رسیده که زندگی را به مردم منطقه تقریباً ناممکن ساخته است. نتیجتاً هزارها فامیل زاریع ایرانی نسبت به کم آبی و تغییر اقلیم، خانه ها و دهات خود را ترک نموده و مسکن گزین شهرها شده اند که در حقیقت یک فاجعه انسانی را به بار آورده است. مالداري (دامپروري) و ماهیگیری در اطراف هامونها سخت آسیب دید بلکه ناپدید شد و از میلیونها پرندۀ ای که هر سال از سایبریا به هامون هیلمند می آمدند دیگر سراغی نیست. این فاجعه عظیم ایکولوجیک اگر از یکطرف نتیجه آفات طبیعی (خشکسالی) است، از طرف دیگر زاده مدیریت ناقص آب در ایران و سوء استفاده از وضع نابسامان کنونی در افغانستان است. بحیث یک دوست ایران، باید تذکر داد که مدیریت آب در ایران و بخش زراعتی آن مستلزم توجه جدی است. این بخش حدود نود درصد از آب کشور را مصرف می کند. ولی سهم واقعی بخش زراعت در تولید ناخالص ملی و حوزه اشتغال، متناسب نیست. بخش زراعتی و مالداري (دامپروري) در ایران عمدتاً با کمکهای دولت از عاید نفت (پارانه های نفتی) روی پا ایستاده است و با حذف پارانه ها، توان برای رقابت و حتی بقا نخواهد داشت. اصلاً، چون آب و بارش در ایران کم است و نظر به گرمی اقلیم کمتر خواهد شد، و چون میزان تمایل به کمی رطوبت خاک و به دشتی شدن و بیابان زائی زمین های زراعتی در ایران زیاد است و نتیجتاً چون مهاجرت روستایان به شهرها روز افزون است، محیط زیست و کلتور مردم را سخت زیر فشار آورده و می آورد. چون نفوس در شهرها سرسام آور رو به افزایش است، روستایان نو وارد به شهر باید حرفه ای را بیاموزد که بدرد زندگی نو شهری شان بخورد. این تغییر حرفه و فن آوری و شروع کردن به یک زندگی نو و ناخوش آیند فرهنگی و غالباً با دستان خالی باعث نارضایتی اجتماعی و اعتراضات سیاسی میگردد. این طبقه نو ناراضیان ولی خاموش در حقیقت پشتیبان ناراضیان سابق، منتقدین و سیاستمداران حرفوی شهری میشوند. درینجاست که دولت با چلنجهای جدی مواجه خواهد شد که نمیتوان آنرا همیشه با قوه قهریه و ناریه مهار کرد. روابط حسنه و تفاهم با افغانستان (نه تهدید) میتواند برخی ازین چلنجه را مهار نماید. افغانستان از لحاظ آب، یک کشور غنی است و نسبت به ایران بسیار کمتر تحت تاثیر تغییر اقلیم و خشکسالی میباشد. مطالعات اولیه، منابع آب افغانستان را ۷۵ میلیارد متر مکعب تخمین میزند درحالیکه تنها ۲۰ میلیارد متر مکعب آن در زراعت استفاده میشود و حجم بزرگی ازین آب بدون بهره برداری مؤثر از سرحدات افغانستان خارج و به حوزه های آبی همسایگان میریزد. باید ملاحظه نمود که به دلیل چهار دهه جنگ، اشغال نظامی، ناامنی، بی سروسامانی و دولت های ضعیف، افغانستان نتوانسته از منابع آبی و موقعیت هیدروژئوپلتیک خود بهره ای ببرد. اگر امروز همسایگانش از سیاست های جدید آبی افغانستان ناخوشنود به نظر میرسند به خاطر سالها عدم عملکرد این کشور و عادت همسایگان به وضعیت پیشین (آب وافر و رایگان) بوده است. ناصر کرمی، استاد اقلیم شناسی در پوهنتون (دانشگاه) علم و صنعت کشور ناروی پیش بینی می کند ایران به آب افغانستان همیشه نیاز خواهد داشت. او میگوید: افغانستان قادر است نیاز آب یک سوم شرق ایران را تامین کند. اما باید در نظر گرفت که ارزش آبی که از افغانستان خارج می شود - بر مبنای تعرفه کنونی بین المللی آب - سالانه ۵۰ میلیون دلار است. به گفته کرمی طبیعی است که افغانستان به سمت تجارت با این آب دریا، از این طریق هم درآمد کسب کند و هم همسایگان را تحت فشار قرار دهد. افغانستان می تواند مانع و دریا آب به ایران شود. این روند، ایران را وارد معاهدات آبی با افغانستان خواهد کرد. ما در نهایت بهای آبی که از افغانستان وارد می شود را خواهیم پرداخت که این تعادل رابطه ایران و افغانستان را به نفع افغانستان برهم میزند و افغانستان دیگر موضع پایین دست کنونی را نخواهد داشت. آقای کرمی میگوید: افغانستان نهایتاً از تغییر اقلیم در ایران سود خواهد برد. لهذا، تفاهم و تجارت آبی با افغانستان بفع ایران است.

هیلمند سفلی و چخانسور، همجوار سیستان و بلوچستان ایران، خشک ترین منطقه افغانستان است که میزان بارش سالانه آن ۲۰۰ تا ۳۰۰ ملی میتر است که با میزان بارش سالانه اکثر مناطق ایران برابر است. لهدا، در اکثر مناطق ایران عملاً زراعت در اراضی دیمه متوقف شده و با افزایش خرج استخراج، ذخیره و انتقال آب، توجیه اقتصادی برای کشت آبی کاهش شدید یافته است. این حالت تعداد بیشتر کشاورزان را بیکار و مجبور به مهاجرت بسوی شهرها کرده است. مگر عاید سرشار نفت جلو اثرگذاری جدی بر فضای سیاسی کشور را تا مدتی گرفته است. کشاورزان و روستائیان که از نگاه تعلیم و شعور سیاسی طبقه نسبتاً عقب مانده کشور و مردم مذهبی اند، پایگاه اصلی حاکمیت مذهبی ایران است. این طبقه هم اکنون از تعاون و یارانه‌های دولت میخورند و دولت برای جذب حمایت این طبقه و پوشاندن ناکامیهای خود در بخش آب و زراعت، ناچار این یارانه‌ها را بیشتر کند. به سبب اکتفاء زارعین بر دولت که منتج به کندی ابتکار وحس خودکفایی زارعین شده، کم‌رنگی سرمایه گذاری خصوصی در سکتور زراعتی، کاهش قیمت نفت در بازار جهانی، تعذیرات اقتصادی امریکا و تحولات نامساعد سیاسی منطقه، دولت ایران نمیتواند به این یارانه‌ها مادام‌العمر ادامه دهد. دولت ایران نمیتواند این سکتور روپه ورشکستگی را تصنعی پایدار و از نگاه اقتصادی پویا نگهدارد. هر تحولی که ضربه جدی به عاید نفت بزند شاید تمام دستگاه دولت بیش از تصور قبلی دستخوش متلاشی شدن شود. داشتن روابط حسنه با افغانستان میتواند در کاهش این چلنج بزرگ ممد واقع شود.

تاکنون دولت ایران ب مردم خود وانمود میکند که ایران با بحران جدی آب روبرو نیست و تغییر اقلیم به هیچ وجه بحران آفرین نیست تا سرمایه گذاری و هزینه‌ای درکار باشد. بلکه هر چه هست صرفاً یک مشکل معمولی و کاملاً قابل حل است و آن هم از راه فشار بر همسایگان، خصوصاً افغانستان که در موقعیت ظاهراً ضعیف قرار دارد. از دید سرسام آور جمعیت در ایران که زاده سیاستهای دولت است؛ مهاجرت روستائیان به شهرها که یک آفت بجان دولت است؛ کم نشان دادن بحران آب و تغییر اقلیم که فاجعه برای ملت است؛ استعمال غیر فنی آب در کشاورزی، حفر خودسرانه چاهای عمیق و ادامه کارافزار سنتی کشاورزی و مالداري عواملیست که به آن باید توجه جدی نمود، مگر دولت ایران همواره آنرا در شورا (پارلمان)، در بیانات دولتی و رسانه‌ها کم اهمیت جلوه میدهد، و ناچار بار همه نارسائی‌های خود را بر دوش افغانستان می‌اندازد. شما اظهارات اولیای امور ایران که در اول این مقال نقل قول شده ملاحظه فرمائید. در چهل سال گذشته در افغانستان جنگ است و هیچ دولت مؤثر و کار آراء نه داشته است تا منابع آبی را انکشاف دهد. همچنان درین دوران، میلیونها افغان مهاجر شده و زمینهای شان لامزروع مانده اند. بدین ترتیب، همه آبهای این کشور بدون کدام بندش و حتی استعمال عنعونی به همسایگان رایگان رفت و میدریا. ولی هنوز هم ایران قانع نیست و کوشش دارد برای گمراه کردن ذهنیت عامه، بار کوتاهیهای خود و وزر اهمال در وظایف خویش را بر دوش افغانها بیاندازد. یک دولت مسؤل آنست که واقعه کوچک را جدی بگیرد و در زمینه از تدبیر کار گیرد، ب مردم معلومات لازم بدهد و مسؤلتهار را توزیع و توضیح دهد. در جوامع پسمانده برعکس است. اتفاقات بزرگ و مهیب را خورد و بی اهمیت جلوه میدهند تا دال بر مدیریت خوب شان باشد. این روش دولت، مردم عامه را به دولت بی اعتماد می‌سازد و در قضایای مهم ملی آنها را بی تفاوت بار می‌آورند. ایران نمیتواند با این روش کجرو، روابط بین المللی را درست و دیپوماسی مثبت و فعال را دنبال نماید.

دولت ایران نباید بار ملامتی مدیریت ناقص خود در بخش آب و کشاورزی را بر دوش افغانها نهد و ناکامی دولت را از چشمان مردم خود پنهان و اذهان عامه را اغفال نماید. باید ملاحظه فرمود که چندین دریا در داخل ایران یا بکلی خشک شده و یا آب شان خیلی کم شده است. خشک شدن جهیل اورمیه در شمال غرب ایران که هفتمین جهیل بزرگ در اسیا بود، خشک شدن دریا قم در مرکز ایران، و ... کار افغانها نیست. اکنون که ایران در افغانستان از خیرات امریکا در موقعیت خوبتر است، قابل فهم است که میخواهد با تهدید و استعمال مزید حربه‌های غیراخلاقی (استفاده سوء از مهاجرین افغان، تحریک طالبان، تجارت و غیره) بر ضد افغانستان استفاده مکرر نمایند. ولی نه امریکا تا ابد در افغانستان خواهد بود و نه این شب تاریک بر افغانها لازوال خواهد ماند. حسبنا الله ونعم الوکیل، نعم المولی ونعم النصیر. تنش با افغانستان بر سر آب، شاید سرابی باشد که ایرانیها را بدسته به بحرانی ببرد تا به ابر قدرت ها زمینه مداخله مساعد شود. باید ملاحظه فرمود که در منطقه و همسایگی ما تنها ایران دارای استقرار سیاسی است و شاید توطنه ای در میان باشد که دیگر ایران این مشخصه خود را از دست دهد و از همین لحاظ باید اتمام حجت شود که تشنج با افغانستان به نفع ایران نیست.

در مسئله آب دریا هیلمند، افغانستان با ایران قراردادی دارد که باید با لفظ و روح از طرف هر دو جانب تطبیق گردد. در رابطه هریدریا، افغانستان با ایران تعهداتی ندارد. این دو کشور میتوانند با استفاده از روند و مثال تقسیم اب رود هیلمند برای تقسیم آب هریدریا نیز فورمول عملی پیدا کنند.

پایان